

Analysis of Ibn Ghazairi's Perspective on Abu Basir Muradi

Rahime Shamshiri¹

Abstract

Abu Basir Layth b. Bakhtari was among the transmitters of Imam Baqir and Sadiq's hadiths. The majority of preliminary raja'alites remained silent on the validity of Abu Basir Muradi. Among them, Ibn Ghazairi's perspective stands out. Although he reports on Imam Sadiq's taking offence on Abu Basir Muradi and admits to Abu Basir's sarcastic tone addressing religion, yet he has not denied his validity. In the present descriptive-analytical research, the aim was to analyze Ibn Ghazairi's comments on Abu Basir Muradi and the effects on Ibn Ghazairi's perception of Abu Basir and found him blamed in holy narrations. The reason why Imam Sadiq was offended by Abu Basir is the occurrence of inappropriate behaviors and speech and defective understanding of imamology. Moreover, by sarcastic tone addressing religion, as quoted by Ibn Ghazairi, it means sarcasm in methods and behavior.

Keywords

Abu Basir Muradi, Ibn Ghazairi, Rijali Narrations, Kashi's Rijal

Citation: Shamshiri, R. (2020) Analysis of Ibn Ghazairi's Perspective on Abu Basir Muradi. Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Hadith. Vol. 6, No. 2 (Serial. 12), pp. 145-160. (In Persian)

1. Assistant Professor, Kosar University of Bojnord. Email: shamshiri@kub.ac.ir
Received on: 13/08/2019 Accepted on: 11/03/2020

تحلیلی بر دیدگاه ابن غضائری پیرامون ابوبصیر مرادی

رحیمه شمشیری^۱

چکیده

ابوبصیر لیث بن بختری از راویان امامان باقر و صادق (ع) است. غالب رجالیان متقدم درباره توثیق صریح ابوبصیر مرادی سکوت کرده‌اند. در این میان دیدگاه ابن غضائری متفاوت از دیگران است؛ او ضمن گزارش رنجش و کدورت خاطر امام صادق (ع) از ابوبصیر مرادی، وجود طعن بر دین او را پذیرفته؛ اما آن را مانع از توثیق وی ندانسته است. در این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است درصدد تحلیل رأی ابن غضائری درباره ابوبصیر مرادی برآمده‌ایم و تأثیرپذیری سخن ابن غضائری درباره ابوبصیر از روایات، نكوهش وی را نتیجه گرفتیم؛ دلیل رنجش و کدورت خاطر امام صادق (ع) از ابوبصیر مرادی، بروز رفتارها و گفتارهای ناشایست او و درک ضعیف او از مقوله امام‌شناسی بوده است. در همین راستا مقصود از طعن در دین در کلام ابن غضائری، طعن در روش و منش اوست.

کلیدواژه‌ها

ابوبصیر مرادی، ابن غضائری، روایات رجالی، رجال کشی.

استناد: شمشیری، رحیمه (۱۳۹۹). تحلیلی بر دیدگاه ابن غضائری پیرامون ابوبصیر مرادی، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، ۶ (۲)، پیاپی ۱۲، صص ۱۴۵-۱۶۰.

۱. استادیار دانشگاه کوثر بجنورد. shamshiri@kub.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۱

۱. طرح مسأله

رجالیان متقدم، ابوبصیر مرادی را به صراحت توثیق نکرده‌اند و ترجیح داده‌اند درباره وضعیت رجالی وی سکوت کنند (برقی، ۱۳۸۳ق، ۱۳، ۱۸؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۲۱؛ طوسی، فهرست، ۳۸۲). در این میان دیدگاه ابن غضائری درباره ابوبصیر مرادی قابل توجه است. ابن غضائری، وجود طعن بر دین او را پذیرفته؛ اما آن را مانع از توثیق وی ندانسته است (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۱۱۱). از این رو ملاحظه می‌گردد ابن غضائری احادیث ابوبصیر مرادی را معتبر دانسته است و طعنی که بر دین او وارد می‌داند را مانع از توثیق و اعتبار احادیثش نمی‌داند.

وجود اشتراک کنیه ابوبصیر میان چند راوی و کاربرد به صورت مطلق در بسیاری از اسانید روایات امامیه موجب شده است همواره انگیزه طرح بحث درباره ابوبصیر وجود داشته باشند. درباره کنیه ابوبصیر و تفکیک و تمایز آن‌ها نوعاً در کتاب‌های رجالی و نیز ضمن فوائد رجالی بحث شده است. همچنین برخی عالمان رساله‌هایی مستقل در این موضوع تدوین کرده‌اند. از آن‌جا که ابوبصیر در شمار اصحاب اجماع نیز قرار گرفته است برخی محققان ذیل مبحث اصحاب اجماع به مناسبت به بحث درباره ابوبصیر نیز پرداخته‌اند. برخی از مهمترین منابع پیرامون ابوبصیر عبارتند از: «الدر النضیر فی المکنین بابی بصیر» از علامه شوشتری که در جلد دوازدهم «قاموس الرجال» به عنوان ملحقات کتاب آمده است (شوشتری، ۱۴۲۲ق، ۱۲: ۳۷۷-۴۹۴). سید محمدباقر شفتی (م ۱۲۶۰ق) نیز رساله «ارشاد المنیر البصیر الی تحقیق الحال فی ابی بصیر» را تدوین کرده است. ابوالهدی کلباسی (م ۱۳۵۶ق) در «سماء المقال فی علم الرجال» درباره کنیه ابوبصیر و به تفصیل درباره ابوبصیر مرادی قلم رانده است (کلباسی، ۱۴۱۹ق، ۲۹۸، ۳۵۹-۳۷۶) مهدی موسوی خوانساری (م ۱۲۴۶ق) رساله‌ای با نام «عدیمة النظیر فی أحوال ابی بصیر» تدوین کرده است که ضمن دفتر سیزدهم میراث حدیث شیعه به زیور طبع آراسته شده است (۱۳۸۰ش، ۲۷۵-۴۴۶). برخی منابع دیگر درباره ابوبصیر مرادی عبارتند از: سبحانی در فائده دهم کلیات علم الرجال (۱۴۱۰ق، ۴۶۱-۴۷۲)، پاکتچی در مدخل «ابوبصیر» در دایرة المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۷۸ش، ۵: ۲۱۴-۲۱۵).

مجموعه‌ها و مقالات مذکور درباره تمییز ابوبصیر در اسانید روایات و نیز بعضاً تحلیل روایات رجال کتبی درباره ابوبصیرهاست. اما در این منابع به جز رساله علامه شوشتری بر رأی ابن غضائری پیرامون ابوبصیر مرادی تمرکز و بعضاً توجه نشده است. ضمن این‌که در انتساب برخی روایات به ابوبصیر مرادی نیز پاره‌ای اشتباهات روی

داده است. مقاله حاضر ضمن توجه به تفکیک صحیح روایات مرتبط با ابوبصیر مرادی، درصدد بازبینی چرایی و زمینه‌های صدور رأی ابن غضائری است؛ چرا از نظر ابن غضائری، امام صادق (ع) از ابوبصیر مرادی آزرده‌خاطر بوده است؟ آیا به همان دلیل، ابن غضائری بر دین ابوبصیر مرادی طعن وارد کرده است یا دلیل دیگری داشته است؟ اساساً مفهوم «دین» در کلام ابن غضائری به چه معنا است؟ به معنای اعتقادی؛ یعنی امامی یا غیر امامی بودن او و یا مفهوم عام‌تری داشته و کلاً روش و منش رفتاری و سلوک او مراد بوده است؟

۲. ابوبصیر مرادی

در سلسله اسانید روایات امامیه، کنیه «ابوبصیر» به طور مطلق و بدون قید به وفور به چشم می‌خورد. ابوبصیر کنیه‌ای مشهور برای آن دسته از روایانی که نابینا بوده‌اند تلقی می‌شود. در رجال امامیه، کنیه «ابوبصیر» مشترک میان چند راوی است. در این میان دو راوی از اصحاب امام صادق (ع) به نام‌های یحیی بن ابی‌القاسم؛ ابوبصیر اسدی و لیث بن بختری؛ ابوبصیر مرادی وجود دارد (پاکتچی، ۱۳۷۸ش، ۵: ۲۱۳).

ابوبصیر لیث بن بختری از روایان امامان باقر و صادق (ع) بوده است (طوسی، رجال، ۱۳۸۱ق، ۱۴۴، ۲۷۵؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۲۱). نجاشی از او با عنوان ابوبصیر اصغر یاد کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۲۱) که شاید نشان از تأخر نسل او نسبت به ابوبصیر اسدی (د. ۱۵۰) باشد. علی‌رغم این‌که امکان روایت او از امام کاظم (ع) وجود داشته است؛ اما در میان منابع رجالی فقط شیخ طوسی نام وی را در شمار اصحاب امام کاظم (ع) آورده است (طوسی، فهرست، ۱۳۸۱ق، ۳۸۲؛ طوسی، رجال، ۱۳۸۱ق، ۳۴۲). در منابع روایی، روایتی از او از امام کاظم (ع) نقل نشده است. آیت الله خویی هر روایتی که ابوبصیر (بدون قید) از امام کاظم (ع) نقل کرده است، را از ابوبصیر اسدی دانسته است (خویی، ۱۴۱۰ق، ۱۴: ۱۵۰). ابوبصیر مرادی دارای کتابی بوده است که ابن فضال فطحی از ابوجمیل؛ مفضل بن صالح از وی روایت کرده است. مهم‌ترین روایان و شاگردان لیث بن بختری عبارت‌اند از: عبدالله بن مسکان، ابوجمیل؛ مفضل بن صالح وی کذاب و واضع حدیث معرفی شده است (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۸۸)، عاصم بن حمید، حمید بن مثنی، ابان بن عثمان و عبدالله بن بکیر (محمدی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ۱: ۲۴-۲۹).

۳. دیدگاه عالمان رجال پیرامون ابوبصیر مرادی

در منابع رجالی متقدم نوعاً اطلاعاتی چون نام، کنیه، راویان وی و داشتن کتاب آمده است و درباره وضعیت نقد الرجالی راوی سکوت شده است و از الفاظ جرح و تعدیل استفاده نشده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۲۱؛ طوسی، فهرست، ۳۸۲؛ همو، رجال، ۱۴۴، ۲۷۵، ۳۴۲؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ۱۳). فقط در یک مورد شیخ طوسی نام ابوبصیر مرادی را ذیل اصحاب امام کاظم (ع) آورده است و عبارت «اسند عنه» را درباره وی نقل کرده است (طوسی، رجال، ۳۴۲). چنان‌که می‌دانیم در دلالت و تلفظ عبارت مذکور اختلاف نظر وجود دارد و بسیاری از وجوه مذکور در بیان دلالت این عبارت قابل نقض است (کلباسی، ۱۴۲۲ق، ۳: ۳۶۹-۳۷۵). در میان آثار رجالی متقدم با دو کتاب رجال کشی و رجال ابن غضائری مواجه می‌شویم که مطالب آن دو درباره وضعیت نقد الرجالی ابوبصیر مرادی قابل توجه هستند. قبل از بیان و تحلیل دیدگاه دو کتاب مذکور خوب است بدانیم نوعاً رجالیان متأخر ابوبصیر مرادی را به عنوان یکی از اصحاب اجماع توثیق کرده‌اند (ابن داوود حلی، ۱۳۸۳ق، ۲۸۲، ۳۸۴؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۱۳۷؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ۱۴: ۱۵۰؛ شوشتری، ۱۴۲۲ق، ۸: ۶۳۰؛ ۱۲: ۴۳۹-۴۴۰؛ مامقانی، بی‌تا، ۲: قسم ۲، ۴۶).

۳-۱. دیدگاه رجال کشی

در رجال کشی که ساختار روایی دارد، ذیل نام ابوبصیر لیث بن بختری تعدادی روایت نقل شده است (ش ۲۸۵-۲۹۹) که از نظر محققان بیشتر این روایات درباره ابوبصیر اسدی است (مانند روایات ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۶، ۲۹۸، شوشتری، ۱۴۲۲ق، ۸: ۶۲۸). روایات مدح ابوبصیر مرادی همگی در شمار روایات مدح گروهی قرار دارد. مقصود از روایات مدح گروهی آن دسته از روایاتی است که در آن‌ها چند راوی با هم مورد مدح و تمجید قرار گرفته‌اند. در رجال کشی در هشت^۱ روایت نام ابوبصیر در روایات مدح جمعی و همراه با نام زراره بن اعین، برید بن معاویه و محمد بن مسلم آمده است^۲ (ش ۲۰، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۸۶، ۲۸۷} تکرار در ۴۳۳^۳}. در این روایات

۱. با حذف یک مورد تکراری، به هفت روایت تقلیل می‌یابد.

۲. در رجال کشی در مجموع چهارده روایت در مدح تعدادی از اصحاب صادقین (ع) وجود دارد (ش ۲۰، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۸). این چهارده روایت از دو طریق قمی و کوفی رسیده است. روایات مدح گروهی دودسته هستند؛ نام زراره بن اعین، برید بن معاویه و محمد بن مسلم در هر دودسته وجود دارد. اما نام ابوبصیر و ابوجعفر احول (محمد بن علی بن نعمان) در این روایات، متغیر است.

۳. عموماً وجه تکرار روایت در رجال کشی تفاوت صدر سند در طبقه مشایخ و مشایخ مشایخ کشی است.

فقط در دو مورد نام ابوبصیر به شکل مطلق آمده است (ش ۲۱۸، ۲۲۰) و در بقیه روایات، به نام لیث بن بختری مرادی تصریح شده است.

این احادیث به جز روایت ش ۲۰ که از امام کاظم (ع) نقل شده است، بقیه از امام صادق (ع) روایت شده است. بر اساس این احادیث، ابوبصیر مرادی از جمله حواریان صادقین (ع) (ش ۲۰) و از مصدیق «سابقون»، «مقرَّبون» و «قَوَّامون بالقسط» معرفی شده است (۲۰، ۲۱۸، ۲۸۷)، امام صادق (ع) به ابوبصیر و هم‌ردیف‌های او به‌عنوان «اصحابِ اَبی» افتخار کرده است و آن‌ها را با عناوینی چون «نُجَبَاء»، «أُمَّاءُ اللَّهِ عَلَی حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ»، «سابقون الینافی الدنیا و الاخره»، «اوتاد الارض» و «اعلام الدین» توصیف کرده (ش ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۸۶، ۴۳۲) و فرموده است: اگر این افراد نبودند آثار نبوت از بین می‌رفت و به دست فراموشی سپرده می‌شد (ش ۲۸۶).

از نظر سندی فقط دو روایت ۲۱۹ و ۲۸۶ صحیح هستند. بقیه روایات در بردارنده دو راوی مجهول به نام‌های علی بن سلیمان بن داود رازی (ش ۲۰، ۲۱۸) و محمد بن عبدالله مسمعی^۱ (ش ۲۲۰، ۲۸۷ {تکرار در ۴۳۳}، ۴۳۲) است. همچنین دو راوی فطحی به نام‌های علی بن اسباط و علی بن حدید در سند چهار حدیث از احادیث هفت‌گانه فوق حضور دارند (ش ۲۰، ۲۲۰، ۲۸۷، ۴۳۲).

از میان روایات ذیل نام لیث بن بختری در رجال کشی، شش روایت در نکوهش او تشخیص داده شده است که البته در مواردی اختلاف نظر وجود دارد. موضوع اصلی این روایات اسائه ادب و رفتار نامناسب ابوبصیر مرادی نسبت به امام صادق (ع) است (ش ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷). از نظر سندی از میان این روایات، سند روایت ۲۹۰ صحیح و روایت ۲۹۵ موثق^۲ و بقیه به سبب ارسال، تعلیق و وجود راوی مهمل و مجهول ضعیف هستند.

۱. محمد بن عبدالله مسمعی مجهول است و نام وی در منابع رجال متقدم نیامده است، فقط ابن بابویه از دیدگاه منفی محمد بن حسن بن ولید درباره او یاد کرده است: «سَئِی الرَّأْیِ فِی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَسْمَعِیِّ» (صدوق، ۱۳۷۸ ش، ۲: ۲۰-۲۱). با این همه مامقانی به نقل از حمید بهبهانی به سبب استثناء نشدن روایات محمد بن عبدالله مسمعی از روایات نوادر الحکمه توسط ابن ولید و نیز بسیاری روایت کردن سعد بن عبدالله اشعری از او حسن حال راوی را نتیجه گرفته است! (مامقانی، بی تا، ۳: ۱۴۶).

۲. روایت ۲۹۰ در رجال کشی به صورت معلق و با نام حسین بن اشکیب شروع شده است. کشی با واسطه محمد بن مسعود عیاشی از حسین بن اشکیب نقل کرده است و از این رو سند از حالت تعلیق در می‌آید و صحیح شناخته می‌شود. همچنین در روایت ۲۹۵ حسین بن مختار وجود دارد که شیخ طوسی واقفی بودن وی را متذکر شده است (طوسی، الرجال، ۱۳۸۱ ق، ۳۳۴) اما نجاشی از بیان مذهب راوی، سکوت کرده است. نجاشی، ۱۴۰۷ ق، ۵۴). در هر صورت سند روایت اعم از صحیح یا موثق بودنش، معتبر است.

بر پایه روایتی به نقل از عبدالله بن بکیر، ابوبصیر بدون رعایت طهارت جسم در محضر امام صادق (ع) حاضر شده است که در این باره با تذکر امام مواجه می‌شود (ش ۲۸۸).^۱ بر پایه روایت دیگری، در مجلسی در محضر امام صادق (ع) که هشام بن سالم و ابوالعباس {احتمالاً بقباق} نیز حضور داشتند هنگامی که ابوبصیر وارد می‌شود امام خداوند را شکر می‌کند از این که در آن سال کسی از اصحاب، از ابوبصیر شکایت نکرده است. در ادامه‌ی روایت، هشام می‌گوید: به گمانم این سخن امام تعریضی به ابوبصیر بود (ش ۲۹۰). همچنین در روایت دیگری که ناقل آن خود ابوبصیر است، ابوبصیر به دلیل بروز رفتار اجتماعی دور از شأنش - شوخی با نامحرم - مورد توبیخ و تذکر امام باقر (ع) قرار گرفته است (ش ۲۹۵).^۲

سه روایت ۲۸۵، ۲۹۴ و ۲۹۷ گزارش رفتار و گفتار ناشایست ابوبصیر مرادی درباره امام صادق (ع) است. دو روایت ۲۸۵ و ۲۹۴ درباره یک موضوع هست؛ در هر دو روایت، ابن ابی‌یعفور حضور دارد و صحبت از مال دنیا و حریص بودن ابوبصیر است؛ بر اساس روایتی مرسل که ابن ابی‌یعفور گزارش می‌دهد روزی او و تعدادی از اصحاب، از جمله ابوبصیر تصمیم گرفتند به منظور انجام حج، مقداری پول از شخصی متمول طلب کنند. ابن ابی‌یعفور خطاب به ابوبصیر گفت: تو که اموال بسیاری داری چرا برای انجام حج پول طلب می‌کنی؟ ابوبصیر گفت: ساکت باش! که اگر همه دنیا وقف دوست تو می‌بود، آن را زیر رداي خود می‌گنجاند (ش ۲۸۵). مقصود وی از دوست تو، امام (ع) است. در روایت دیگری مطلب مشابهی از حماد بن عثمان نقل شده است. در این روایت به نام مرادی تصریح شده است (ش ۲۹۴).

در روایت ۲۹۷ روایتی دیگر با موضوع متفاوت و بدون قید برای ابوبصیر نقل شده است که هم راوی آن و هم بخش پایانی آن مشابه روایت ۲۹۴ است؛ در این روایت که دلیل ضعف سندی آن، جبرئیل بن احمد است، از حماد ناب - همان حماد بن ۱. صفار و حمیری این مضمون را با سندی متفاوت نقل کرده‌اند: (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۴۱؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ۴۳).

۲. مامقانی در دفاع از ابوبصیر، عدم اطلاع او از حرمت ورود بدون طهارت در خانه امام را مطرح کرده است و آن را غفلت و خطایی دانسته است که خللی بر عدالت راوی وارد نمی‌کند (مامقانی، بی‌تا، ۲: ۴۵). همچنین رجالیان دلالت ذم از دو روایت ۲۹۵ و ۲۹۰ را نفی کرده‌اند و به توجیه آن پرداخته‌اند؛ ایشان در روایت ۲۹۰ گمان هشام را حجت ندانسته‌اند، دلالت این روایت را نیز بیشتر نزدیک به مدح دانسته‌اند تا ذم (خویی، ۱۴۱۰ق، ۱۴: ۱۴۷؛ مامقانی، بی‌تا، ۲: ۴۵). روایت ۲۹۵ را نیز به دلیل این که ناقل آن خود ابوبصیر بوده است، نشان می‌دهد انگیزه‌ای از نقل روایت به جز رساندن آگاهی امام باقر (ع) بر غیب برای او باقی نمی‌ماند و مضمون روایت نگاهش ابوبصیر نیست (مامقانی، بی‌تا، ۲: ۴۶).

عثمان- نقل شده است که ابوبصیر درب منزل امام صادق (ع) منتظر اجازه ورود بود که به او اجازه داده نشد. ابوبصیر گفت: اگر به همراه من یک طبق می بود و آن را پیشکش می کردم حتماً به من نیز اجازه ورود داده می شد. در این لحظه حیوانی در آنجا بود که صورت ابوبصیر را آلوده کرد. ابوبصیر نابینا بعد از ابراز چندش و کراهت پرسید: این چه بود و به او گفتند که چه بود (ش ۲۹۷).^۱

چنان که ملاحظه گردید در رجال کثی دو دسته روایت مدح و ذم درباره ابوبصیر مرادی نقل شده است و هیچ گونه اظهار نظر صریحی درباره راوی نشده است.

۲-۳. دیدگاه ابن غضائری

ابن غضائری بعد از ارائه برخی مشخصات فردی ابوبصیر می نویسد: «كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَتَّصِرُ بِهِ وَ يَتَّبِرُ مِنْ أَصْحَابِهِ مُخْتَلِفُونَ فِي شَأْنِهِ وَعِنْدِي أَنَّ الطَّعْنَ إِنَّمَا وَقَعَ عَلَى دِينِهِ لَا عَلَى حَدِيثِهِ وَ هُوَ عِنْدِي ثِقَّةٌ» (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۱۱۱). ابن غضائری ضمن این که از رنجش و کدورت خاطر امام صادق (ع) از ابوبصیر مرادی خبر داده است، اختلاف نظر اصحاب در وضعیت نقد الرجالی وی را خاطر نشان ساخته و در ادامه دیدگاه خود را چنین بیان می کند که طعن وارده بر ابوبصیر در واقع نسبت به دین او و نه حدیث او بوده است؛ بنابراین او نزد من ثقه و مورد اعتماد است.

۱-۲-۳. بررسی دیدگاه علامه شوشتری درباره سخن ابن غضائری

علامه شوشتری با اعتماد بر گزارش های رجال کثی درباره ابوبصیر مرادی بر این گمان است که دیدگاه ابن غضائری ناظر به روایات نکوهش ابوبصیر است؛ او سخن ابن غضائری را دو بخش دانسته و برای هر قسم آن روایات نکوهش مربوطه را ذکر کرده است؛ آن بخش از سخن ابن غضائری که درباره آزردن خاطر بودن امام صادق (ع) از

۱. علامه مامقانی در توجیه دو روایت ۲۸۵ و ۲۹۴ می گوید: دقیقاً معلوم نیست مقصود از «صاحب» در روایت مذکور چه کسی است. او احتمال می دهد منظور از «صاحبک» و «صاحبکم» در کلام ابوبصیر، خود ابوبصیر باشد. گویی ابوبصیر درباره خودش این گونه صحبت کرده است (همان، ۴۵-۴۶). در پاسخ به روایت ۲۹۷ نیز می نویسد: غرض ابوبصیر اهانت به امام (ع) نبوده است، بلکه یا این که او در واقع اظهار تأسف کرده از این که برای امام هدیه ای به همراه نیاورده است تا بدین وسیله به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ» (مجادله: ۱۲) عمل کرده باشد و یا این که روی سخن او با دربان خانه امام بوده است و قصد مزاح با او را داشته است (همان، ج ۲، قسم ۲، ۴۶). صرف نظر از احتمال وجود برخی روایات ساختگی در باره راویان و به ویژه اصحاب امام صادق (ع)، توجهات بی مورد و گاه تکلف آمیز علامه مامقانی، موجب ناخشنودی علامه شوشتری شده و او را به نقد عملکرد علامه مامقانی در این خصوص واداشته است (شوشتری، ۱۴۲۲ق، ۱۲: ۴۴۱).

ابوبصیر است «كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَتَضَجَّرُ بِهِ وَيَبْرُمُ» را ناظر به دو روایتی دانسته است که در یکی امام (ع) حمد الهی را به دلیل این که کسی از ابوبصیر شکایت نکرده است، به جا آورده است (طوسی، ۱۴۰۹ق، ۲۹۰) و در روایت دیگر امام (ع) به ابوبصیر اجازه ورود نمی دهد (همان، ش ۲۹۷). همچنین سخن ابن غضائری مبنی بر وقوع طعن در دین ابوبصیر «عِنْدِي أَنَّ الطَّعْنَ إِنَّمَا وَقَعَ عَلَي دِينِهِ» برگرفته از دو روایت شعیب عقرقوفی در موضوع ناتمام بودن علم امام کاظم (ع) (ش ۲۹۲، ۲۹۳) دانسته است (شوشتری، ۱۴۲۲ق، ۸: ۶۳۰؛ ۱۲: ۴۳۸-۴۳۹). علامه شوشتری در ادامه می نویسد: این که ابن غضائری از یک سو بر دین ابوبصیر طعن وارد دانسته و از سوی دیگر به حدیث او اعتماد کرده است، در واقع جمع بین روایات نکوهش او و سخن کَشِّی است که او را در زمره افرادی دانسته است که بر صحت احادیث آنان نوعی اتفاق وجود دارد (همان) که مقصود همان اصحاب اجماع است.

دیدگاه علامه شوشتری ارتباط مستقیم میان سخن ابن غضائری و روایات نکوهش ابوبصیر در رجال کَشِّی برقرار کرده است؛ از این رو برای اثبات وجود این ارتباط و فهم دقیقتر سخن ابن غضائری لازم است روایات رجال کَشِّی درباره ابوبصیر مرادی را مورد بررسی قرار دهیم:

۳-۲-۱-۱. تحلیل دیدگاه علامه شوشتری

به نظر می رسد اصل سخن علامه شوشتری در این موضوع که سخن ابن غضائری درباره ابوبصیر مرادی متأثر از وجود نوع روایات نکوهشی است که در رجال کَشِّی راه یافته است، قابل تأیید است و در این باره تردیدی وجود ندارد. اما دو بخش مجزا دانستن کلام ابن غضائری و اختصاص مستندات روایی خاص به هر یک از دو بخش و نیز نوع استناددهی به روایات نکوهش، مخدوش است؛ برای توجه دادن به مطلب مجدداً کلام ابن غضائری نقل می شود: «كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَتَضَجَّرُ بِهِ وَيَبْرُمُ وَأَصْحَابُهُ مُخْتَلِفُونَ فِي شَأْنِهِ وَعِنْدِي أَنَّ الطَّعْنَ إِنَّمَا وَقَعَ عَلَي دِينِهِ لَا عَلَي حَدِيثِهِ وَهُوَ عِنْدِي ثِقَّةٌ». ملاحظه می گردد بخش دوم سخن کاملاً در ارتباط با بخش نخست و هم راستا با آن بیان شده است. در واقع همان کدورت و آزرده خاطر بودن امام صادق (ع) از ابوبصیر موجب شده است تا ابن غضائری وقوع طعن بر دین او را استنباط کند. بنابراین در این جا مقصود از طعن روشن است و باید مقصود از «دین» در کلام ابن غضائری روشن شود.

۳-۲-۲. مقصود از «دین» در رأی رجالی ابن غضائری

پیش از این گفته شد علامه شوشتری سخن ابن غضائری مبنی بر وقوع طعن در دین ابوبصیر را برگرفته از دو روایت شعیب عرقوفی در موضوع ناتمام بودن علم امام کاظم (ع) (ش ۲۹۲، ۲۹۳) دانسته است (شوشتری، ۱۴۲۲ق، ۸: ۶۳۰؛ ۱۲: ۴۳۸-۴۳۹). در همین راستا پاکتچی مقصود از «دین» در سخن ابن غضائری را مذهب و اعتقاد راوی دانسته است و با ارائه برخی قرائن و شواهد، نشان داده است که ابوبصیر مرادی اعتقاد درستی به امامت امام کاظم (ع) نداشته است و به اندیشه فطحیه متمایل بوده است. بنابراین کلام ابن غضائری نیز به این موضوع اشاره دارد (پاکتچی، ۱۳۷۸ش، ۵: ۲۱۵-۲۱۶). وی دو روایت ۲۹۲ و ۲۹۳ را درباره ابوبصیر مرادی دانسته است (همان، ۲۱۴).

در نقد دو دیدگاه پیش گفته باید گفت شواهد و قرائن، دو روایت شعیب عرقوفی در موضوع ناتمام بودن علم امام کاظم (ع) (ش ۲۹۲، ۲۹۳) را درباره ابوبصیر اسدی و نه ابوبصیر مرادی می‌داند. همچنین بنا بر شواهد، ابو عمرو کشتی نسخه تحریف‌شده روایت را به دو سند متفاوت نقل کرده است. عامل تحریف نیز خطای راویان در فهم صحیح روایت بوده است. علامه شوشتری نیز خود در جایی دیگر به وقوع تحریف در متن روایت پیش گفته توجه داده است (شوشتری، ۱۴۲۲ق، ۸: ۶۳۰-۶۳۱). از نظر ما با توجه به اثبات این مطلب که دو روایت شعیب عرقوفی درباره ابوبصیر اسدی است و نیز از نظر محتوا هیچ‌گونه ارتباطی با مقوله نفی امامت امام کاظم (ع) و نیز کوتاهی در ادای حق امامت ایشان ندارد، بنابراین سخن ابن غضائری مبنی بر وقوع طعن بر دین ابوبصیر مرادی را نمی‌توان به عقیده او درباره امامت امام کاظم (ع) نسبت داد و با توجه به مضامین نكوهش‌آمیز برخی روایات معتبر رجال کشتی می‌توان مقصود از دین را روش، منش، رفتار و سلوک ابوبصیر مرادی دانست.

در ادامه برای روشن شدن موضوع به نقل و تحلیل دو روایت شعیب عرقوفی می‌پردازیم:

۳-۲-۱. روایت شعیب عرقوفی و وقوع تحریف در آن

در رجال کشتی دو روایت پی‌درپی با مضمونی مشابه و با اختلاف جزئی در برخی تعبیر به دو طریق از شعیب عرقوفی نقل شده است که در واقع گزارش یک حکایت است. علی‌رغم این که در روایت ۲۹۳ به نام ابوبصیر مرادی تصریح شده است؛ اما این که در دو روایت مقصود کدام ابوبصیر است میان صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد؛ بنا بر تشخیص علامه مامقانی، ابوبصیر مذکور در این روایات به قرینه نایبنا بودن و راوی

روایت که شعیب عقرقوفی، خواهرزاده ابوبصیر اسدی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۱۹۵)، ابوبصیر اسدی ضعیف! است؛ از نظر مامقانی دور از شأن و جایگاه والای ابوبصیر مرادی است که روایت درباره او باشد. مامقانی ذکر نام مرادی در روایت ۲۹۲ را افزوده نسخه‌نویسان می‌دانند و درج این روایت ذیل نام ابوبصیر مرادی را سهو قلم کشی خوانده است (مامقانی، بی‌تا، ۲: ۴۵).^۱ علامه شوشتری سخنان مامقانی را نپذیرفته است اما خود در این موضوع صریح سخن نگفته است و در نهایت روایت را به‌گونه‌ای تبیین می‌کند که دلالت بر قح و جرح راوی نداشته و مهم نباشد روایت از کدام ابوبصیر سخن گفته است (شوشتری، ۱۴۲۲ق، ۱۲: ۴۳۳).^۲

احمد بن طاووس این روایات را ذیل نام لیث بن بختری، ابوبصیر مرادی ذکر کرده است (صاحب معالم، ۱۴۱۱ق، ۴۹۰). آیت‌الله خویی دو روایت را ذیل نام هر دو ابوبصیر نقل کرده و در یکجا آن را به دلیل این‌که ثابت نشده است که ابوبصیر مرادی از اصحاب امام کاظم (ع) باشد، درباره ابوبصیر اسدی (۱۴۱۰ق، ۱۴: ۱۵۰) و در جای دیگر به دلیل تصریح در روایت ۲۹۳ به ابوبصیر مرادی روایت را درباره ابوبصیر مرادی دانسته است (همان، ۲۰: ۱۷۹). وی بحث تفصیلی روایت را ذیل نام ابوبصیر مرادی آورده است. تنها دلیل معتبر از نظر ما درباره انتساب دو روایت ۲۹۲ و ۲۹۳ که در واقع اشاره به یک موضوع دارد، به ابوبصیر اسدی، راوی آن است. در دامنه روایات جوامع حدیثی متقدم و وسائل الشیعه، شعیب بن یعقوب عقرقوفی هیچ‌گاه از لیث بن بختری؛ ابوبصیر مرادی حدیث نقل نکرده است این در حالی است که نامبرده راوی ۶۸/۵ درصد روایات دائی‌اش؛ ابوبصیر اسدی بوده است. دلیل دیگر که شاهد بر مدعا است این‌که در روایات رجالی ابوبصیر مرادی و جز آن نشانی از ارتباط او با امام کاظم (ع) وجود ندارد. در همین راستا، برخی صاحب‌نظران، ابوبصیر در این روایت را ابوبصیر اسدی دانسته‌اند (موسوی خوانساری، ۱۳۸۰ش، ۳۰۴).

با این فرض که مقصود از ابوبصیر در دو روایت ۲۹۲ و ۲۹۳، ابوبصیر اسدی است به بیان محتوای روایت و تحلیل آن می‌پردازیم:

بر پایه روایت ۲۹۲ در دوران امامت امام کاظم (ع)، روزی ابوبصیر برای شعیب عقرقوفی نقل می‌کند که از امام صادق (ع) درباره حکم حدّ ازدواج مرد با زن همسر دار

۱. علامه شوشتری این دیدگاه را نقد کرده است و معتقد است، ابوبصیر، کنیه همه مکفوفین {ابن‌بنیان} است (۱۴۲۲ق، ۸: ۶۲۹).

۲. البته تحلیل علامه شوشتری در بیان مستندات دیدگاه ابن‌غضائری درباره ابوبصیر مرادی نشان می‌دهد او دو روایت ۲۹۲ و ۲۹۳ را درباره ابوبصیر مرادی صحیح می‌داند.

پرسیدم. امام فرمود: زن سنگسار می‌شود و مرد به دلیل این‌که درباره این موضوع تحقیق نکرده است، صد ضربه تازیانه را متحمل می‌شود. شعیب در نوبتی حکم همین سؤال را از امام کاظم (ع) می‌پرسد و امام در پاسخ می‌فرماید: حکم زن سنگسار است؛ اما بر مرد حدّی نیست. شعیب نزد ابوبصیر رفته و گفتگوی خود با امام کاظم (ع) را برای او نقل می‌کند. ابوبصیر دست بر سینه‌اش گذاشته و می‌گوید: «مَا أَظُنُّ صَاحِبِنَا تَنَاهَى جَلْمَهُ بَعْدُ».

روایت ۲۹۳ با پرسش شعیب از امام کاظم (ع) شروع می‌شود و امام، پاسخ مذکور در روایت قبل را بیان می‌کند. اما در اینجا، هم در پرسش شعیب قیدشده است که مرد نمی‌دانسته که زن، همسر داشته است و هم در پاسخ امام مبنی بر حدّ نداشتن مرد، این قید آمده است. در ادامه شعیب این پرسش و پاسخ را برای ابوبصیر نقل کرده است و ابوبصیر می‌گوید: «وَ اللَّهُ جَعَفَرٌ تُرْجِمُ الْمَرْأَةَ وَيُجَلِّدُ الرَّجُلَ الْحَدَّ، وَقَالَ يَدِيهِ عَلَى صَدْرِهِ يُحْكُمُهَا: أَظُنُّ صَاحِبِنَا مَا تَكَامَلَ عِلْمُهُ» به خدا سوگند جعفر {بن محمد (ع)} زن را سنگسار می‌کرد و مرد را حدّ جاری می‌کرد. آن‌گاه دست بر سینه‌اش گذاشت و بر سینه می‌زد و می‌گفت: گمان کنم علم صاحبمان کامل نیست.

به نظر می‌رسد «جَلْمَهُ» در بخش اخیر روایت ۲۹۲ تحریف از «عِلْمُهُ» در روایت ۲۹۳ است. در تأیید این مطلب باید گفت، شیخ طوسی به سند خود روایت ۲۹۳ رجال کشی که صفوان از شعیب نقل کرده است را در تهذیبین نقل کرده است.^۱ ملاحظه می‌گردد بر اساس ظاهر این روایات، موضوع اصلی روایت وجود اختلاف احکام در سخنان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) در دو مقطع زمانی است که ابوبصیر این اختلاف و تعارض را متوجه شده و بدین طریق در تکامل علم امام کاظم (ع) تردید روا داشته است.

شیخ طوسی در توضیح روایت و حل تعارضی که برای ابوبصیر به وجود آمده چنین بیان می‌دارد که میان روایت شعیب از امام کاظم (ع) و روایت ابوبصیر از امام صادق (ع) منافات وجود ندارد؛ زیرا فتوای امام کاظم (ع) در زمانی است که مرد از همسر دار بودن زن اطلاع نداشته باشد؛ اما فتوای امام صادق (ع) مبنی بر جاری کردن حدّ بر مرد، درباره زمانی است که مرد از این مسئله آگاه بوده است و در واقع مرتکب زنا شده است. بنابراین، در این روایت امر بر ابوبصیر مشتبه شده و او توانسته دو مسئله را از یکدیگر تمییز دهد و تناقض فتوای دو امام و در نتیجه ناتمام بودن علم امام کاظم (ع)

۱. نقل شیخ طوسی با کسّی در جمله پایانی روایت، تفاوت اندکی دارد: «قَالَ يَدِيهِ عَلَى صَدْرِي فَحَكَّمَهُ مَا أَظُنُّ صَاحِبِنَا تَكَامَلَ عِلْمُهُ» (طوسی، ۱۴۰۷، ۷: ۴۸۷؛ همو؛ ۱۳۹۰، ۳: ۱۸۹-۱۹۰).

را تصور کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۴۸۷؛ همو؛ ۱۳۹۰ق، ۳: ۱۹۰). علامه مجلسی این روایت را مشتمل بر قدح بسیار درباره ابوبصیر اسدی دانسته و آن را شاهد بر واقفی بودن وی - که علامه حلی مطرح کرده است - دانسته است - شایان ذکر است علامه حلی، یحیی بن قاسم ابوبصیر اسدی را همان یحیی بن القاسم حذاء دانسته است و از این رو سخن کَشی (ش ۹۰۱) و رجال شیخ (ص ۳۴۶) درباره واقفی بودن یحیی بن قاسم حذاء را نقل کرده است. او در ادامه با توجه به توثیق نجاشی ذیل عنوان یحیی بن قاسم ابوبصیر اسدی، با وجود فساد مذهب، عمل به روایات وی را متذکر شده است (حلی، ۱۴۱۱ق، ۲۶۴) - علامه مجلسی در ادامه بلافاصله توضیح می‌دهد که با توجه به این که ابوبصیر قبل از امام کاظم (ع) و پیدایش واقفیه از دنیا رفته است، واقفی در اینجا به معنای لغوی آن نه به معنای اصطلاحی مراد است؛ در واقع او ناووسی^۱ بوده است؛ یعنی بر امامت امام صادق (ع) توقف کرده است (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۶ق، ۱۲: ۵۱۰).

مجلسی اول به دلیل وجود «صَاحِبِنَا» در سخن ابوبصیر و نیز عمل اصحاب به روایات وی، اعتقاد ابوبصیر به امامت امام کاظم (ع) را صحیح دانسته و توبه وی از توهم تعارض میان فتوهای دو امام را مطرح کرده است. وی افتراء بستن به ابوبصیر در این روایت از سوی مخالفانش را نیز احتمال داده است (مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، ۱۰: ۱۴).^۲ شعرانی با استناد به روایت مذکور و به سبب روشن بودن حکم مسئله مورد بحث در روایت، تخلیط و ضعف عقل ابوبصیر اسدی را نتیجه گرفته است (شعرانی، ۱۴۰۶ق، ۱۵: ۳۱۴). ظاهراً کلام شعرانی در راستای تأیید دیدگاه حسن بن علی بن فضال است که ابوبصیر اسدی را «مِخْلَط» توصیف کرده است (ش ۲۹۶).

وحید بهبهانی علاوه بر تردید در صحت حدیث، انتساب چنین دیدگاه‌هایی به اصحاب در آن زمان را موجب قدح ندانسته است (بهبهانی، بی تا، ۲۸۹). مامقانی با پذیرش مدلول دو روایت کَشی و ناسازگار دانستن این مدلول با روایات مدح و تمجید ابوبصیر اسدی توسط امام صادق (ع) (مامقانی، بی تا، ۲: ۴۶) به توجیه روایات و دفاع از شخصیت ابوبصیر اسدی پرداخته است (همان، ۳: ۳۱۱، ذیل روایت ۲۹۲).

در ادامه‌ی پی‌جویی فهم صحیح روایت، با روایت دیگری در تهذیبین مواجه می‌شویم که شیخ آن را از ابن ابی عمیر از شعیب عرقوفی نقل کرده است. اگرچه موضوع مورد

۱. دسته‌ای از شیعیان ناووسیه نامیده شده‌اند؛ زیرا پیرو مردی از اهل بصره به نام ابن ناووس بودند. وی می‌پنداشت که جعفر بن محمد همچنان زنده و همان مهدی قائم است که نمی‌میرد تا ظهور کند و حکومت را به دست گیرد (نوبختی، بی تا، ۶۷).

۲. مجلسی دوم درباره تعیین کدام ابوبصیر، اظهار نظر نکرده است.

بحث این روایت همان موضوع روایات پیش گفته است؛ اما محتوای آن تفاوت جدی دارد و ظاهراً این روایت، اصل (شوشتری، ۱۴۲۲ق، ۱۲: ۴۴۳) و بقیه روایات نقل به معنا و یا تحریفی از این روایت هستند. بر اساس این روایت، شعیب پرسش خود مبنی بر حکم مردی که با زنی همسر دار ازدواج کرده را از امام کاظم (ع) می پرسد. ملاحظه می گردد در این پرسش، قید دانستن یا ندانستن مرد از همسر دار بودن زن نیامده است. امام در پاسخ فرمود: «يُقَرَّقُ بَيْنَهُمَا قُلْتُ: فَعَلَيْهِ ضَرْبٌ؟ قَالَ: لَا مَالَهُ يُضْرَبُ». شعیب بعد از شنیدن این پاسخ از نزد امام خارج شد و در راه ابوبصیر را دید و گفتگوی خود با امام را برای او نقل کرد. ابوبصیر نابینا گفت: اینجا که من هستم کجاست؟ شعیب موقعیت را اعلام کرد. آن گاه ابوبصیر دستش را بالا برد و گفت: به پروردگار این خانه از جعفر (ع) شنیدم که حضرت علی (ع) درباره مردی که با زن همسر دار ازدواج کرده قضاوت کرده و زن را رجم و بر مرد، حد جاری کرده است. آن گاه {علی (ع)} گفته است اگر می دانستم که تو از همسر دار بودن زن اطلاع داشتی سرت را با سنگ می شکستم. آنچه از آن بیم دارم این است که تو از این موضوع بی اطلاع بوده باشی.^۱ این روایت را از نظر سندی صحیح دانسته اند (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۶ق، ۱۶: ۴۹).

بر اساس این روایت، توهم ابوبصیر مبنی بر تعارض میان فتوای دو امام همچنان پابرجاست که شیخ در صدد نفی تعارض ایجاد شده نزد ابوبصیر برآمده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱۰: ۲۵-۲۶؛ همو، ۱۳۹۰ق، ۴: ۲۰۹-۲۱۰). نکته قابل توجه در اینجا این است که گوینده‌ی جمله پایانی روایت که در روایات پیشین به صورت تحریف شده و توهینی از سوی ابوبصیر تلقی می شد در این روایت، حضرت علی (ع) و در معنایی متفاوت و درباره مردی که مرتکب خطا شده است، آمده است. مؤید این که جملات پایانی روایت، سخنان حضرت امیرالمؤمنین (ع) است نه ابوبصیر، فهم شیخ صدوق در نقل مختصر این روایت است.^۲

۱. «لَسَمِعْتُ جَعْفَرًا يَقُولُ إِنَّ عَلِيَّاعَ قَضَى فِي الرَّجُلِ تَرْوَجَ امْرَأَةً لَهَا زَوْجٌ فَرَجَمَ الْمَرْأَةَ وَضَرَبَ الرَّجُلَ الْحَدَّ ثُمَّ قَالَ لَوْ عَلِمْتُ أَنَّكَ عَلِمْتَ لَفَضَخْتُ رَأْسَكَ بِالْحِجَارَةِ ثُمَّ قَالَ مَا أَخُوْفِي أَنْ لَا يَكُونَ أَوْتِي عَلِمَةً» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱۰: ۲۵-۲۶؛ همو، ۱۳۹۰ق، ۴: ۲۰۹-۲۱۰).

۲. «وَرَوَى شُعَيْبٌ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) قَضَى عَلِيٌّ (ع) فِي رَجُلٍ تَرْوَجَ امْرَأَةً رَجُلٌ أَنَّهُ رَجَمَ الْمَرْأَةَ وَضَرَبَ الرَّجُلَ الْحَدَّ وَقَالَ (ع) لَوْ عَلِمْتُ أَنَّكَ عَلِمْتَ لَفَضَخْتُ رَأْسَكَ بِالْحِجَارَةِ». این احتمال وجود دارد که اینکه بعد از هر (قال) از سوی معصوم، علامت (ع) آمده است، کار مصحح اثر علی اکبر غفاری- باشد که همین امر نیز برای ما مهم است؛ زیرا فهم یک حدیث شناس و حدیث پژوه خیره است. هر چند برخی فاعل فعل «قال» در جمله پایانی روایت را ابوبصیر دانسته اند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۱۵: ۳۱۵؛ مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۶ق، ۱۶: ۴۹-۵۰).

علامه محقق، محمدتقی شوشتری هوشمندانه به این نکته توجه داشته است. او جمله پایانی روایت را معطوف به جمله قبلی که همگی فاعل آن را حضرت علی (ع) دانسته‌اند، دانسته و بر اساس آن، معنای صحیحی از روایت به دست داده است. علامه شوشتری انتساب جمله اخیر روایت به ابوبصیر و نقل به معنای ناصحیح آن را ناشی از توهم راویان و خطای آنان در فهم صحیح روایت دانسته است (شوشتری، ۱۴۲۲ق، ۸: ۶۳۰-۶۳۱؛ ۱۲: ۴۴۱-۴۴۳). آیت‌الله خویی بعد از ضعیف خواندن دو روایت رجال کشی، دو روایت تهذیب را معتبر دانسته است؛ اما در نهایت، علم به این دو روایت را به اهلش واگذار کرده است (خویی، ۱۴۱۰ق، ۱۴: ۱۴۹-۱۵۰).

۳-۲-۲-۱-۱. جمع‌بندی

نتیجه این‌که این دو روایت، تحریف و نقل به معنای ناصواب روایتی است که درباره ابوبصیر اسدی و نه مرادی است و مضمون آن هیچ ارتباطی با اعتقاد راوی درباره اصل امامت امام کاظم (ع) ندارد. در روایاتی که ما در نگوهرش ابوبصیر مرادی شناسانده و تحلیل کردیم، هیچ‌گاه سخن از امام کاظم (ع) نیست و روایت نقل نکردن ابوبصیر مرادی از امام کاظم (ع) - که در ابتدای بحث به آن اشاره شد- ضرورتاً دلیل بر بی‌اعتقادی وی به امامت ایشان نیست، بلکه احتمال می‌رود ابوبصیر مرادی با توجه به گزارش نجاشی و برقی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۲۱؛ برقی، ۱۳۸۳ق، ۱۳، ۱۸) که وی را صرفاً در شمار اصحاب امامان باقر و صادق (ع) ذکر کرده‌اند، علی‌رغم تأخر نسل از ابوبصیر اسدی، در آستانه امامت امام کاظم (ع) یا اندکی پس از آن درگذشته باشد. باین‌همه اگرچه با توجه به شواهدی دیگر،^۱ گرایش ابوبصیر مرادی به فطحیه را نمی‌توان انکار کرد، اما مهم‌ترین مستند دیدگاه گرایش ابوبصیر مرادی به فطحیه که دو روایت شعیب عرقوفی در موضوع ناتمام بودن علم امام کاظم (ع) (ش ۲۹۲، ۲۹۳) است را نمی‌پذیریم و این دو روایت را درباره ابوبصیر اسدی و نه ابوبصیر مرادی می‌دانیم ضمن آن‌که با تحلیلی که ارائه شد دانسته گردید موضوع روایت، مطلب دیگری است و اساساً ارتباطی با عقیده راوی درباره امامت امام کاظم (ع) ندارد.

۴. نتیجه‌گیری

۱. دلیل رنجش و کدورت خاطر امام صادق (ع) از ابوبصیر مرادی، بروز رفتارها و

۱. از جمله این شواهد، حضور حداکثری راویان فطحی در نقل روایات مدح جمعی است.

گفتارهای ناشایست او و درک ضعیف او از مقوله امام‌شناسی بوده است تا جایی که مثلاً گمان می‌کرده است امام صادق (ع) هم مانند یکی از افراد عادی از دریافت هدیه ذوق‌زده می‌شود و می‌توان او را تحت تأثیر قرار داد.

۲. با توجه به اثبات این مطلب که دو روایت شعیب عرقوفی درباره ابوبصیر اسدی است و نیز از نظر محتوا هیچ‌گونه ارتباطی با مقوله نفی امامت امام کاظم (ع) و نیز کوتاهی در ادای حق امامت ایشان ندارد، بنابراین سخن ابن غضائری مبنی بر وقوع طعن بر دین ابوبصیر مرادی را نمی‌توان به عقیده او درباره امامت امام کاظم (ع) نسبت داد.

۳. با توجه به مضامین نکوهش‌آمیز برخی روایات معتبر رجال کثشی می‌توان مقصود از دین را روش، منش، رفتار و سلوک ابوبصیر مرادی دانست.

۴. عملکرد برخی رجالیان در نقد سندی یا توجیه مضمون روایات نکوهش اصحاب و در نتیجه حکم به بی‌اعتباری مجموعه این دست روایات، عملکردی ناصحیح است.

۵. روایات مختلف مدح و ذم درباره ابوبصیر مرادی نشان‌دهنده تفاوت میزان شناخت و درک اصحاب امام صادق (ع) از جایگاه، موقعیت و شخصیت امامان (ع) است.

۶. روایات مختلف مدح و ذم درباره ابوبصیر مرادی با اندیشه تقدس‌بخشی تامّ به اصحاب امامان منافات دارد و با عدالت و وثاقت راوی که منشأ آن صدق و ضبط راوی است، منافات ندارد.

منابع

- ابن داوود حلی، حسن بن علی، رجال ابن داود، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۲ق.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- _____، رجال البرقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- بهبهانی، محمداقبر، تعلیقة علی منهج المقال، قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)، بی‌تا.
- پاکتچی، احمد، «ابوبصیر»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۸ش.
- حلی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلی، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البیت (ع)، ۱۴۱۳ق.
- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ۱۴۱۰ق.
- سبحانی تبریزی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
- شعرانی، ابوالحسن، تحقیق بر الوافی فیض کاشانی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
- شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۲ق.
- صاحب معالم، حسن بن زین‌الدین، التحریر الطاووسی، المستخرج من کتاب حل الاشکال احمد بن طاووس، قم، مکتب آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۱ق.

- صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، کتابفروشی داورى، ۱۳۸۵ش.
- _____، عیون اخبار الرضا (ع)، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ش.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، قم، مکتب آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال معروف برجال الکشی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
- _____، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دار الکتب اسلامیة، ۱۳۹۰ق.
- _____، الرجال، انتشارات حیدریه، نجف، ۱۳۸۱ق.
- _____، تهذیب الاحکام، تحقیق خراسان، تهران، دار الکتب اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- _____، فهرست، نجف، مطبعه حیدریه، ۱۳۸۱ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
- کلباسی، ابوالهدی، سماء المقال فی علم الرجال، تحقیق: محمد حسینی قزوینی، قم، مؤسسه ولی عصر (ع) للدراسات، ۱۴۱۹ق.
- کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم، الرسائل الرجالیة، تصحیح: محمد حسین درایتی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- محمدی مازندرانی، بشیر، مسند ابی بصیر، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۵ق.
- مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف، مطبعه مرتضویه، بی تا.
- مجلسی، محمدباقر، ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
- مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- موسوی خوانساری، مهدی، رساله عدیمة النظیر فی احوال ابی بصیر، تحقیق: مهدی هوشمند، در مجموعه: میراث حدیث شیعه، دفتر سیزدهم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ش. ص ۲۷۵-۴۴۶.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
- نوبختی، احمد بن موسی، فرق الشیعه، بیروت، دار الاضواء، بی تا.